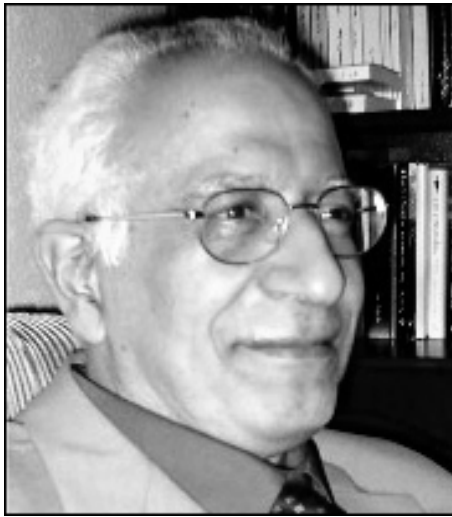


اوباما: خدا حافظ، حقوق بشر

دکتر حسین باقرزاده

hbzadeh@btinternet.com

سه شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۸۷-۷ آوریل ۲۰۰۹



هنگامی که از فقدان دموکراسی و آزادی در اتحاد شوروی داد سخن می داد، در مورد سرکوب دموکراسی در آمریکای لاتین خاموش می ماند و یا حتی نظامیان و مأموران او عملاً به این سرکوب ها کمک می رسانند. ولی در دوران اوباما، این برای اولین بار در طول ۳۲ سال است که تأکید بر دموکراسی و حقوق بشر رسماً از محوریت سیاست خارجی آمریکا به کنار می رود.

این تغییر اساسی بخشی از گردش تاریخی سیاست خارجی آمریکا و نگاه تازه آن به جهان و به خصوص جهان سوم است. برای آقای اوباما به عنوان رئیس جمهور آمریکا طبیعتاً رفاه و امنیت (برای آمریکا) و صلح جهانی در درجه اول قرار دارند، و سیاست خارجی آمریکا عمدتاً حول این اهداف شکل می گیرد. مقولاتی از قبیل دموکراسی و حقوق بشر در کشورهای دیگر جهان البته مثل همیشه مورد توجه رهبران آمریکا قرار می گیرند، ولی برخلاف گذشته در دولت اوباما به این امر تظاهر چندانی نخواهد شد. یعنی می توان گفت که تفاوت آقای اوباما با اسلاف نزدیک او در مسئله حقوق بشر نه در عمل و بلکه در گفتار است. آقای اوباما در مقایسه با غالب رؤسای جمهور پیشین در سه دهه اخیر دست کم از این صداقت برخوردار است که شعار حقوق بشر ندهد و بعد به صورت نابرابر از آن در برابر دوست و دشمن بهره بگیرد. علاوه بر این، آقای اوباما برای جلب نظر مساعد مسلمانان به آمریکا می پندارد که باید به «سنن» آنان احترام بگذارد، و در این راه از هیچ تلاشی خودداری نمی کند. او در مسجد مسلمانان در ترکیه همانند یک مسلمان معتقد رفتار می کند و یا در لندن در برابر پادشاه عربستان سعودی تا کمر خم می شود و تعظیم می کند. از دید آقای اوباما، ادای احترام به پادشاه عربستان سعودی به عنوان رئیس یک کشور «اسلامی» مهمتر از حمایت از حقوق مردم مسلمانی

است که تحت حاکمیت این پادشاه از بسیاری از حقوق اولیه خود محرومند.

محاسبه آقای اوباما چندان از واقعیت دور نیست. او می داند که توده مسلمان تا حد زیادی تحت تبلیغات رهبران روحانی خود به دشمنی با آمریکا کشانده شده اند، و این روحانیان را می توان با ژست هایی از این قبیل و احترام به «سنت های» اسلامی به طرف خود جلب کرد- در حالی که این روحانیان نه تنها سخن گفتن از آزادی و دموکراسی، چندان دل خوش ندارند و بلکه با داعیان آن دشمنی می ورزند. بنابراین، سخن گفتن از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر در کشورهای مسلمان نشین چندان باعث اقبال توده ای نمی شود، ولی خضوع و تواضع در برابر نمادهای سنتی و مذهبی و احترام به مقامات روحانی و حکومتی با پشتوانه مذهبی (به شمول پادشاه عربستان که خادم الحرمین اش می نامند) می تواند بازده بیشتری از اقبال توده هوادار این مقامات داشته باشد. علاوه بر این، سطح فرهنگی در بسیاری از این جوامع در حدی است که کاربرد دموکراسی و آزادی های دموکراتیک در آن ها ممکن است به استقرار حکومت هایی افراطی تر، خشن تر و مستبدتر منجر شود، و مآلاً منافع آمریکا را به خطر بیندازد. از این رو، چرا آقای اوباما با تعارف درباره دموکراسی و حقوق بشر از یک سو همانند اسلاف خود در کاربرد آن برای دوست و دشمن به اشکال برخورد کند و به اتخاذ استانداردها دوگانه مجبور شود و از سوی دیگر احیاناً زمینه بنیادگرایی را تقویت کند؟

این سیاست بد یا خوب، اکنون وجه مشخصه سیاست خارجی آقای اوباما به خصوص در خاورمیانه و کشورهای مسلمان نشین است. زمامداران جمهوری اسلامی نیز اتخاذ چنین سیاستی را از آمریکا می طلبند و از آن استقبال می کنند. آنان به احتمال زیاد حاضرند درباره هر موضوعی با آمریکا بر سر میز مذاکره بنشینند (به شمول فعالیت هسته ای ایران و مسئله فلسطین)، ولی با گفتگو درباره دموکراسی و حقوق بشر دل خوشی ندارند. از این رو، سکوت آقای اوباما درباره این مسائل طنین دلپذیری در گوش مقامات ایران دارد، و این عامل شاید بیش از هر مشوق دیگر آنان را به میز مذاکره بکشاند. تا آن جا که به مردم ایران مربوط است نیز شاید این امر چیز بدی نباشد. سیاست های حقوق بشری آمریکا در برابر ایران همواره برای مردم این کشور مسئله ساز بوده است. سیاست حقوق بشری کارتر (که صادقانه تر از اخلافش بود) به استقرار جمهوری اسلامی یاری رساند، و سیاست های رئیس جمهورهای بعدی کمکی به استقرار دموکراسی و حقوق بشر در ایران نکرد. شاید با قطع این شعارها از سوی آمریکا امید کاذب مردم ایران به خارج قطع شود و آنان را وادارند که به جای چشم انتظار بودن این که «دستی از غیب برون آید و کاری بکند» بروی پای خود بایستند و استقرار دموکراسی و حقوق بشر در ایران را خود رقم زنند.

و از جمله متحدان اروپایی آمریکا تواضع بی سابقه ای نشان داد. مجموعه این عوامل، فضای مساعدتری در اروپا برای پذیرش سیاست های آمریکا تحت ریاست آقای اوباما فراهم آورده است، و اروپا به خصوص از سیاست جدید آقای اوباما در برابر ایران حمایت می کند. این حمایت نه فقط در سطح رهبران این قاره و بلکه در سطح عامه مردم نیز دیده می شود. به عبارت دیگر، اکنون وقتی رئیس جمهور آمریکا خطاب به مردم ایران یا حاکمان آن کشور سخن می گوید، برخلاف دوران جورج بوش، از حمایت اروپاییان (و بخش بزرگی از جامعه جهانی) برخوردار است. رژیم ایران در این شرایط به سختی می تواند این پیام را نادیده بگیرد و به سیاست های پیشین خود (که از اختلافات بین اروپا و آمریکا بهره برداری می کرد) ادامه دهد.

ولی شاید آن چه که بیشتر مقامات ایران را برای پاسخ مثبت به پیام آقای اوباما تشویق کند نه آن چیزهایی باشد که آقای اوباما به تکرار و به صورت های مختلف در سخنانش آورده و بلکه چیزهایی باشد که او به عمد و اختیار از گفتن آنها ابا کرده است. پذیرفتن «حق مسلم» انرژی هسته ای برای ایران، بهبود وضع اقتصادی مردم، عضویت در سازمان تجارت جهانی، رفع تحریم ها، احراز «مقام خود» در جامعه جهانی، و موارد دیگری از این قبیل که آقای اوباما مطرح کرده است البته مشوق های پر توانی هستند که هر یک می توانند در کشاندن مقامات جمهوری اسلامی به پای میز مذاکره و شفافیت فعالیت هسته ای آن نقش ایفا کنند. ولی در ناگفته هایی مانند دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، رفع تبعیض، و مانند این ها، در انبوه مصاحبه ها، سخنرانی ها و اظهارات متعدد آقای اوباما در یک هفته سفر او به اروپا که امیدهای تازه ای در زمینه های رشد اقتصادی و صلح و کاهش سلاح های هسته ای ایجاد کرد جای زیادی برای این مقولات نبود. آقای اوباما به خصوص وقتی درباره ایران سخن می گفت و دست خود را برای صلح و دوستی به سوی حاکمان ایران دراز می کرد ظاهراً مُشعر بود که از این مقولات سخنی نگوید و رنجش خاطر آنان را فراهم نیاورد- و این مشوق کوچکی نیست.

البته این فقط در رابطه با ایران نیست که آقای اوباما از مقولات دموکراسی و حقوق بشر کمتر سخن به میان می آورد. سیاست خارجی آمریکا تحت ریاست آقای اوباما تغییر فاحشی کرده است و یکی از موارد این تغییر به کنار رفتن دموکراسی و حقوق بشر به عنوان یک رکن اساسی سیاست خارجی آمریکا است. در سه دهه گذشته، یعنی از جیمی کارتر تا جورج بوش پسر، تأکید بر حقوق بشر همواره در متن سیاست خارجی آمریکا قرار داشته است. البته (به جز دوران جیمی کارتر) در غالب موارد از این سیاست عمدتاً به صورت ابزاری برای مقابله با دشمنان و رقیبان سیاسی (مثلاً در برابر شوروی در دوران جنگ سرد) یا توجیه تجاوز نظامی (مثلاً حمله به عراق) استفاده می شده است، و به همین دلیل استاندارد دوگانه در این سیاست وجود داشته است. برای مثال، حکومت های آمریکا در عین این که کشورهایمانند ایران را به دلایل فقدان دموکراسی و نقض حقوق بشر محکوم می کردند در مورد این نقض ها در کشورهای تحت سلطه رژیم های دوست خود مانند عربستان سعودی کمتر سخن می گفتند. و یا رونالد ریگان درست

سفر یک هفته ای باراک اوباما به قاره اروپا در همسایگی ایران به پایان رسید. در این سفر، او از چند کشور در غرب و شرق اروپا از انگلیس گرفته تا ترکیه و سپس عراق دیدن کرد و در چند نشست مهم بین المللی به رتق و فتق مشکلات جهانی روز پرداخت. اقتصاد جهانی، آینده ناتو و نقش آن در افغانستان، خلع سلاح اتمی، و رابطه آمریکا با «جهان اسلام» از مهمترین موضوعاتی بود که در دستور کار آقای اوباما قرار داشت، و هر کدام به مناسبتی در سخنرانی ها و مصاحبه های مطبوعاتی متعدد او مطرح شد. ولی یک موضوع بود که در همه این مناسبت ها بدون استثنا از آن نام برده می شد: رابطه با ایران و مسئله فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی. ایران و سیاستی که آقای اوباما در رابطه با آن پیش گرفته است ترجیح بند تقریباً همه سخنرانی ها، مصاحبه ها و اظهارات آقای اوباما از لندن تا بغداد بود. در این گفتارها او نکات زیادی را در رابطه با ایران پیش کشید. ولی نکاتی را که او مطرح نکرد اهمیت کمتری نداشت و شاید نگفتن همین ناگفته ها بیشتر از مشوق هایی که او پیش کشید مورد توجه مقامات جمهوری اسلامی قرار گیرد و در پاسخ مثبت به او نقش داشته باشد.

آن چه که آقای اوباما در رابطه با ایران مطرح می کرد البته تا زگی نداشت. او هم در دوران مبارزات انتخاباتی اش و هم پس از احراز مقام ریاست جمهوری بر تغییر سیاست آمریکا در برابر ایران تأکید کرده بود. او در پیام نوروزی اش که یک هفته و اندی پیش از سفر اروپایی خود خطاب به ایرانیان و مقامات حاکم ایران فرستاد صریحاً از «جمهوری اسلامی ایران» یاد کرد تا نشان دهد که حکومت ایران را به رسمیت می شناسد و خواهان روابط عادی با آن است. علاوه بر این، مقامات کاخ سفید به طور تلویحی گفته اند که برای مذاکره با ایران حتی ممکن است پیش شرط قطع یا تعلیق غنی سازی هسته ای ایران برداشته شود. در این سفر نیز آقای اوباما به زبان های مختلف سعی کرد که حسن نیت خود را در رابطه با ایران نشان دهد و در عین تأکید بر حق ایران به دستیابی به فن آوری هسته ای برای مصارف صلح آمیز، جمهوری اسلامی را در برابر دو گزینه متمایز قرار دهد: یا در فعالیت های هسته ای خود شفافیت نشان دهد و اعتماد جامعه جهانی را کسب کند تا ایران بتواند جای خود را در این جامعه احراز نماید یا راه انزوا را پیش بگیرد و فشارهای سنگین تری را تحمل کند. آمریکا حاضر است برای گزینه اول هر کمکی را در اختیار جمهوری اسلامی بگذارد. در تبیین این سیاست، رئیس جمهور آمریکا دستان خود را تا آن جا که در توانش بود به سوی جمهوری اسلامی دراز کرده است.

آقای اوباما این سخنان را در محیط و شرایطی مطرح می کرد که از تأیید کامل شتوندگانش برخوردار بود. آمریکای پس از دوران بوش در ذهن اروپاییان موقعیت تازه ای یافته است. خصوصیت عمیقی که سیاست های تجاوز کارانه بوش در خاورمیانه در سطح جهان و از جمله اروپا ایجاد کرده بود با ریاست جمهوری اوباما و جهت گیری های کاملاً متفاوت او به تدریج به کنار می رود. سفر یک هفته ای آقای اوباما به اروپا و موفقیت هایی که او در برخورد به مسایل عمده جهانی از خود نشان داد، همراه با موضع گیری های او در باره سلاح های هسته ای و رابطه با روسیه و چین، تأثیر مثبتی بر افکار عمومی اروپاییان گذاشت. او همچنین در برابر جامعه جهانی

از توقف گشت های ارشاد تا تغییر در قانون اساسی

دکتر حسین باقر زاده

سه شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۸۸-۱۴ آوریل ۲۰۰۹

بکشانند. این مسابقه در «وعده دادن» به خصوص در بین دو نامزد اصلی جناح اصلاح طلب یعنی آقایان کروبی و موسوی شدیدتر است. اظهارات و وعده های این دو نامزد مسابله متعددی از توقف گشت های ارشاد تا تغییر در قانون اساسی را در بر گرفته است. برخی از این اظهارات در قاموس جمهوری اسلامی تابوشکنی تلقی می شود.

بازار تبلیغات انتخاباتی در ایران روز به روز گرم تر می شود و نامزدهای ریاست جمهوری در رقابت با یکدیگر به صف آرای پر پرداخته اند. در این تبلیغات، هر یک از نامزدها تلاش دارند به مردم وعده تازه ای بدهند تا شاید در طیف عظیم مردم بی تفاوت هیجانی بیافرینند و در روز رأی گیری تعداد هر چه بیشتری از آنان را به هواداری از خود به پای صندوق های رأی

دنباله مطلب در صفحه ۲۴

مدرسه فارسی اندیشه

مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا



مدرسه فارسی اندیشه ارائه دهنده دوره های فارسی و دینی در مقاطع کودکستان، آمادگی و کلاس های اول تا ششم می باشد. همچنین کلاس های تطبیقی برای غیر فارسی زبانان در سنین نوجوان و بزرگسالان برگزار می شود، با برنامه های تفریحی، شامل جشن های فرهنگی، ملی و مذهبی.

مدرسه فارسی اندیشه با کادری با تجربه و دلسوز شامل امکانات آموزشی و تفریحی از جمله زمین بازی، امکانات ورزشی، قهوه خانه و کتابخانه، آماده خدمت به شما عزیزان می باشد.

محل کلاس ها هر شنبه از ساعت ۹:۳۰ صبح در مرکز اسلامی شمال کالیفرنیا برگزار می شود.

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۷۶۰۰-۸۳۲-۵۱۰ تماس بگیرید

و یا به سایت www.iccnc.org مراجعه نمایید.

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612

Ali Driving & Traffic School

کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک

برای بزرگسالان و نوجوانان

- ✓ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی
- ✓ ما تضمین میکنیم که با استفاده از کلاس های رانندگی مدرسه ما، امتحان خود را قبول خواهید شد
- ✓ ما می توانیم به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس بگیریم
- ✓ شما می توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل های مدرسه ما نیز استفاده کنید

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس ها به زبان فارسی نیز عرضه می گردد.



We Offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors

- ◆ Driving ◆ Training ◆ Traffic School
- ◆ Drivers Education ◆ Teens
- ◆ Adults ◆ Seniors
- ◆ Free Home & School Pickup
- ◆ Hiring & Training Instructors
- ◆ Licensed & Bonded

(408)370-9696 ◆ (408)626-7684

3084 Driftwood Drive, San Jose, CA 95128